

مقاله‌ی پژوهشی

رابطه سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای مقابله با استرس با سازگاری زناشویی

خلاصه

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای مقابله با استرس در زنان خانه‌دار بوده است.

روش کار: در این مطالعه‌ی توصیفی-همبستگی ۳۰۰ نفر از زنان خانه‌دار عضو دارالقرآن استان قم به شیوه نمونه‌گیری در دسترس مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های هزن و شیور، مقیاس سازگاری زناشویی اسپاینر و سبک‌های مقابله با استرس لازاروس بود. تحلیل داده‌ها با ضریب همبستگی و رگرسیون انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد بین سبک دل‌بستگی ایمن و سازگاری زناشویی رابطه‌ی مثبت معنی‌دار (۰/۵۳۶) وجود دارد، بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی، رابطه‌ی معنی‌دار مشاهده نمی‌شود و بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و سازگاری زناشویی، رابطه‌ی منفی معنی‌دار (۰/۱۶۲-) وجود دارد.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد سبک دل‌بستگی ایمن می‌تواند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. هم‌چنین سبک دوسوگرا با سازگاری زناشویی رابطه‌ی معنی‌دار و منفی داشته در حالی که دل‌بستگی اجتنابی و راهبردهای مقابله با استرس با سازگاری زناشویی رابطه‌ی معناداری نشان نمی‌دهند.

واژه‌های کلیدی: دل‌بستگی، راهبردهای مقابله، سازگاری زناشویی

زهره مطلب

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه
آزاد اسلامی، اراک، ایران

*رحیم حمیدی پور

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان،
تهران، ایران

*مؤلف مسئول:

گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران،
ایران

rhamidipour@yahoo.com

تاریخ وصول: ۹۵/۱۱/۲۵

تاریخ تایید: ۹۵/۱۲/۲۵

مقدمه

یکی از زمینه های سازگاری در زندگی انسان، سازگاری زناشویی است تا آنجا که ازدواج موفق و رضایتمندانه مستلزم سطح پایداری از سازگاری زوجین است. در تداوم زندگی زناشویی عوامل متعددی دخیل هستند و شرط اساسی در این امر مهم، سازگاری در برابر آثار محرک های تنش زا است. سازگاری با موقعیتهای متنوع در دورانی که عصر تنش و تغییرات سریع اجتماعی است کار آسانی نیست (۱).

به نظر می رسد از جمله متغیرهای تأثیر گذار در سازگاری زناشویی، سبکهای دلبستگی باشد. نظریه دلبستگی یکی از نظریه های با نفوذ در خصوص روابط زناشویی می باشد. جان بالبی^۱ (۱۹۶۹)، معتقد است که ماهیت رابطه صمیمی اول (مادر- نوزاد) ماهیت روابط صمیمی یک فرد را در سرتاسر زندگی تعیین می کند و به طور کلی دلبستگی را می توان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد، این که کودک مراقب خود را که معمولاً مادر اوست می جوید و به او می چسبد مؤید وجود دلبستگی میان آنهاست. نظریه دلبستگی بر این باور است که دلبستگی، پیوندی جهان شمول است و در تمام انسانها وجود دارد بدین معنی که انسانها تحت تأثیر پیوندهای دلبستگی شان هستند. بالبی معتقد است که یک شخص برای رشد سالم نیاز به پیوند عاطفی دارد و احساس امنیت در کودک پایه ای برای سلامت روانی وی می باشد (۲). از نظر اینزورث^۲ (۱۹۷۶)، دلبستگی پیوندی عاطفی بین کودک در حال رشد و مادر است که از ابتدای تولد ایجاد می شود اما تأثیر آن فقط محدود به دوران کودکی نیست بلکه همه دوره های زندگی حتی دوره سالمندی را در بر می گیرد. سه سبک دلبستگی، ایمن، اجتنابی و دو سوگرا. مشخص شده است. طرفداران

این نظریه معتقدند به احتمال زیاد سبک دلبستگی کودک بر اساس الگوهای عملی درونی از خود و چهره دلبستگی تا بزرگسالی ادامه دارد و در روابط بزرگسالی فرد منعکس می گردد (۳). مطالعات نشان می دهد که سبکهای دلبستگی، سازگاری زناشویی را تحت تأثیر قرار می دهد و همسران افراد نایمن سازگاری زناشویی کمتری را گزارش می دهند در عوض زوجینی که هر دو ایمن هستند در مقایسه با زوجینی که یکی ایمن است سازگاری بهتری را نشان می دهند (۳). در زمینه روابط عاطفی نیز تحقیقات، مؤید این نکته است که پویایی های دلبستگی روابط عاطفی بزرگسالان را شکل می دهد.

سبک های دلبستگی بر اساس مطالعات بارتولومئو^۳ و هورویتز^۴ به چهار طبقه تقسیم شده اند و به گفته این پژوهشگران این چهار سبک را می توان به وسیله بازنمایی مردم از روابط خود و دیگران در ابعاد تعریف شده ای قرار داد. به طور اختصاصی افراد ایمن با داشتن بازنمایی مثبت از خود (فردی با ارزش و قابل محبت) و بازنمایی مثبت در مورد دیگران (افرادی پاسخ دهنده و مهربان) و افراد نگران با داشتن بازنمایی منفی از خود و بازنمایی مثبت در مورد دیگران و افراد دارای سبک دلبستگی انکارکننده با داشتن بازنمایی مثبت از خود و بازنمایی منفی در مورد دیگران و افراد دارای سبک دلبستگی ترسو با داشتن بازنمایی منفی از خود و بازنمایی منفی از دیگران توصیف می شوند. بدین ترتیب هر یک از چهار سبک دلبستگی، از ترکیب منحصر به فرد مدل های مثبت و منفی از خود و دیگران حاصل می شوند. از دیگر متغیرهای تأثیرگذار در میزان سازگاری زناشویی راهبردهای مقابله با استرس می باشد. لازاروس^۵ و فولکمن^۶ راهبردهای مقابله ای را به عنوان مجموعه ای از

³Bartholomew

⁴Horowitz

⁵Lazarus

⁶Folkman

¹Bowlby

²Ainsworth

پاسخ‌های رفتاری و شناختی تعریف کرده اند که هدف آنها به حداقل رساندن فشارهای موقعیت استرس زاست (۴).

از نظر لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴)، شیوه‌های مقابله با تنیدگی، فرآیند مشخص‌کننده خواسته‌ها و الزامات درونی و بیرونی و فرآیندی فعال و هدفمند برای پاسخ‌دهی به محرکی است که تهدیدکننده یا مستلزم استفاده از منابع ادراک شده است. در واقع روش مقابله، یک حالت و رگه فردی و ثابت نیست بلکه یک فرآیند تعاملی است که همواره بر اثر تجربه تغییر می‌یابد و اصلاح می‌شود. رویکردهای اولیه به فرآیند مقابله، سه سبک اصلی را متمایز می‌کند:

سبک مقابله‌ای مسأله محور که وجه مشخصه آن عملکرد مستقیم برای کاهش فشارها یا افزایش مهارت‌های مدیریت استرس است.

سبک مقابله‌ای اجتناب محور که ویژگی اصلی آن اجتناب از مواجهه با عامل استرس‌زا است و سبک مقابله‌ای هیجان محور که وجه مشخصه آن راهبردهای شناختی است که حل یک حذف عامل استرس‌زا با دادن نام و معنی جدید به تأخیر می‌اندازد (۵).

مطالعات نشان می‌دهد که راهبردهای مقابله‌ای کارآمد همسران نه تنها میزان آشفتگی هیجانی را کاهش داده بلکه سازگاری و رضایت زناشویی را نیز افزایش داده از این رو احساس یکپارچگی را در زندگی زوجین تحکیم می‌نماید. از سوی دیگر راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد و منفی همسران در برابر استرس‌های زندگی، بیشتر اوقات آشفتگی، اختلال در کارکردهای ارتباطی و ناسازگاری زناشویی را در پی خواهد داشت (۶).

با توجه به افزایش روزافزون ناسازگاری‌های زناشویی و به تبع آن آمار بالای طلاق در جامعه و تبعات منفی آن که گریبانگیر خانواده‌ها شده است و رابطه متقابل بین سازگاری زناشویی و سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای،

پژوهش حاضر در صدد است تا از طریق پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی و راه‌های مقابله با استرس را در سازگاری زناشویی، بینش وسیع‌تر و روشن‌تر نسبت به این موضوع برای زوجین و درمانگران در حیطه مشاوره خانواده فراهم نماید تا در فعالیت‌های مشاوره‌ای به این موضوع توجه بیشتری شده و با بکارگیری برنامه‌های پیشگیرانه از میزان تعارضات زناشویی کاسته شود.

روش کار

تحقیق حاضر توصیفی-همبستگی است مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۳۰۰ نفر زن خانه‌دار ۴۰-۲۵ ساله عضو دارالقرآن استان قم در سال ۱۳۹۴ با تحصیلات سیکل تا فوق لیسانس بوده است. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت در دسترس بوده است. همچنین با توجه به هدف پژوهش و نوع متغیرها از ضریب همبستگی و سپس رگرسیون در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

ابزار پژوهش

الف- مقیاس هزن و شیور^۱: این مقیاس در سال ۱۹۸۷، ساخته شد و در ایران توسط رحیمیان بوگر و همکاران در سال ۱۳۸۳، بر روی پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر اصفهان هنجاریابی شده است این پرسشنامه دارای ۱۵ گویه است که به هر یک از سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا ۵ گویه تعلق می‌گیرد. نمره گذاری این پرسشنامه دارای مقیاس لیکرت از هرگز (۰) تا تقریباً همیشه (نمره ۴) صورت می‌گیرد نمرات خرده مقیاس‌های دلبستگی توسط میانگین ۵ سؤال هر خرده مقیاس بدست می‌آید بدین صورت که برای تعیین سبک دلبستگی هر فرد ارزش‌های عددی گویه‌های مرتبط هر سطح با یکدیگر جمع و بر ۵ تقسیم می‌شود از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا سؤالاتی را انتخاب کنند که سبک مشخصه آنها را در روابط نزدیک بهتر توصیف می‌کند. تحلیل عامل پرسش‌نامه هزن و شیور

^۱Hazen and Shiver

آمده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد هم چنین اسپاینر، به منظور بدست آوردن اعتبار سازه مقیاس سازگاری زناشویی، از مقیاس سازگاری در میان افراد متاهل ۰/۸۶ و در میان افراد طلاق گرفته ۰/۸۸ بود (۸).

ج- پرسشنامه سبک های مقابله با استرس لازاروس: این پرسشنامه بر مبنای نظریه لازاروس بوده و حاوی ۶۶ سؤال است و سبک های مقابله مسأله مدار و هیجان مدار را در هشت نوع سبک مقابله بررسی می کند و در یک مقیاس چهار گزینه ای از ۰ تا ۴ نمره گذاری می شود. این پرسشنامه توسط لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵)، ساخته شده است و دامنه وسیعی از افکار و اعمالی که افراد هنگام مواجهه با استرس و یا شرایط فشار زای درونی یا بیرونی بکار می برند را مورد ارزیابی قرار می دهد از آزمودنی خواسته می شود که با خواندن عبارات پرسش نامه مشخص کند که در موقعیت مورد نظر تا چه میزان از هر یک از راهبردها استفاده می کند بعضی مواقع خود پژوهش گر موقعیتی خاص مانند درمان پزشکی یا یک آزمون علمی را به عنوان موقعیت فشارزا مشخص می کند. پایایی این آزمون در تحقیقی توسط لازاروس با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ بدست آمد. هنجاریابی از این پرسشنامه برای تعیین پایایی پرسشنامه راهبردهای مقابله ای از ضریب آلفای کرونباخ استفاده نمود و ضرایب حاصله برای خرده مقیاس ها در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۲ متغیر بوده و برای کل مقیاس ۰/۸۱ گزارش کرده است. همچنین برای تعیین روایی این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی استفاده کرده است و نتایج مؤید آن است که روایی پرسشنامه در دامنه ۰/۸۱ تا ۰/۹۵ متغیر است (۹).

نتایج

طبق یافته های پژوهش بیشترین گروه سنی پاسخ دهندگان گروه ۳۵ تا ۴۵ سال با ۸۴ نفر فراوانی و ۵۱/۹ درصد فراوانی می باشد. افراد دارای سن کمتر از ۲۵ سال، ۲۵ تا ۳۵ سال،

(۱۹۸۷)، توسط کولینز و رید^۱ (۱۹۹۰)، به استخراج سه عامل عامل دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سو گرا منجر شد که توسط پژوهشگران به عنوان ظرفیت پیوستن به روابط صمیمی و نزدیک تفسیر می شود. هزن و شیور پایایی باز آزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آوردند کولینز و رید هم پایایی بالایی با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ در مورد این ابزار به دست آورده اند. هزن و شیور (۱۹۷۸)، روایی صوری و محتوایی را خوب گزارش نمودند و روایی سازه آن را در حد بسیار مطلوب گزارش نمودند و پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش نامه رحیمیان بوگر و همکاران برای کل آزمون سبک دو سوگرا، سبک اجتنابی، سبک ایمن به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۳ و ۰/۸۱ و ۰/۷۷ به دست آمد که پایایی مطلوبی را نشان می دهد علاوه بر این اعتبار محتوایی و صوری آن توسط چند تن از متخصصان روان شناسی مورد تایید قرار گرفت (۷).

ب- مقیاس سازگاری زناشویی اسپاینر: این مقیاس توسط اسپاینر در سال ۱۹۷۶ تهیه شده است شامل ۳۲ سؤال است که برای ارزیابی کیفیت زناشویی از نظر زن و مرد یا هر دو نفری که با هم زندگی می کنند به کار می رود تحلیل عاملی نشان می دهد که این مقیاس ۴ بعد رابطه را می سنجد این چهار بعد عبارتند از رضایت زناشویی همبستگی زناشویی، توافق زناشویی و ابراز محبت. نمره گذاری این مقیاس از ۰ تا ۱۵۱ است. کسب نمره ۱۰۱ و بیشتر نشانه سازگاری بیشتر و رابطه بهتر و نمره های پائین تر از آن نشان دهنده سازگاری کمتر است. اسپاینر^۲ (۱۹۷۶)، پایایی ۰/۹۶ را از روش ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس بدست آورد در پژوهش شارپلی و کروس (۱۹۸۲)، پایایی مقیاس یاد شده را ۰/۹۶ گزارش کردند در پژوهش دیگر که بوسیله اسپاینر و تامسون انجام گرفت همسانی درونی به دست

^۱Collins and Read

^۲Spiner

بالاتر به ترتیب ۰/۲۵، ۰/۴۵ و ۰/۶ از کل افراد مورد آزمون را تشکیل می دهند. ملاحظه می شود بیشترین فراوانی متعلق به دسته تک فرزندان با ۳۴ درصد فراوانی و بعد از آن دسته بدون فرزند با ۲۹/۷ درصد، ۲ فرزند با ۱۷/۳ درصد، ۳ فرزند با ۱۴ درصد و بیشتر از ۳ فرزند با ۵ درصد قرار دارند.

۴۵ تا ۵۵ سال و ۵۵ سال به بالا به ترتیب ۰/۲۵، ۰/۲۵/۹، ۰/۱۹/۱ و ۰/۰۶ از کل افراد را تشکیل می دهند. یافته های پژوهش نشان می دهد که ۲۴ درصد از پاسخ دهندگان دارای سطح تحصیلات لیسانس می باشند. افراد دارای سطح تحصیلات زیردیپلم، دیپلم و فوق لیسانس و

جدول ۱- آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
سبک دلبستگی	۳۰۰	۹۶/۳۳	۱۱۶/۹	۲۸۱/۰	-۶۳۰/۰
مقابله با استرس	۳۰۰	۲۰/۱۲۴	۳۰۵/۳۲	۰۹۸/۰	-۴۹۶/۰
زناشویی-سازگاری	۳۰۰	۶۰۳۶/۱۰۶	۷۶۲۷۳/۲۱	-۰۸۸/۰	۱۵۳/۱

به منظور بررسی وجود رابطه بین سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا و سازگاری زناشویی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون ضریب همبستگی در رابطه سبکهای دلبستگی و سازگاری زناشویی

سبک دلبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون
ایمن	۰/۰۷۳	۰/۵۳۶
اجتنابی	۰/۱۰۲	-۰/۰۷۳
دوسوگرا	۰/۰۰۲	-۰/۱۶۲

برای پیش بینی میزان سازگاری زناشویی بر مبنای سبک های دلبستگی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است.

جدول ۳- جدول آنالیز واریانس

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معنی داری	R	R2
رگرسیون	۳۷۶۴/۶۶۸	۲	۱۸۸۲/۳۳۴	۴/۰۵۶	۰/۰۱۸	۰/۱۶۳	۰/۵۲
مانده	۱۳۷۸۴۶/۶۰۳	۲۹۷	۴۶۴/۱۳۰				
کل	۱۴۱۶۱۱/۱۲۷	۲۹۹					

جدول ۴- ضرایب تاثیر سبک های دلبستگی در معادله رگرسیون

سطح معینداری	t	ضرایب استاندارد شده بنا	انحراف خطا	B	(ثابت)
۰/۰۰۰	۲۳/۱۲۳	-	۴/۹۳۵	۱۱۴/۱۲۲	
۰/۸۱۱	۰/۲۳۹	۰/۰۱۴	۰/۳۷۴	۰/۰۸۹	سبک دلبستگی ایمن
۰/۰۰۶	-۲/۷۷۸	-۰/۱۶۷	۰/۲۹۵	-۰/۸۲۰	سبک دلبستگی دوسوگرا

سبک دلبستگی ایمن تری باشند سازگاری زناشویی آنان بیشتر می شود و هر چقدر افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن تر باشند سازگاری زناشویی کاهش یافته و اختلال و درگیری های خانوادگی افزایش می یابد که با یافته های تعدادی از محققان از جمله سیمون همخوان است (۱۱).

بین سازگاری زناشویی و سبک دلبستگی دوسوگرا رابطه منفی وجود دارد. افراد دلبسته نا ایمن دوسوگرا از سطح شادکامی کمتر و مشکلات بین شخصی بیشتری نسبت به افراد ایمن برخوردار هستند، مطالعات نشان داده که سبک دلبستگی نا ایمن دوسوگرا با اعتماد به نفس پایین، تنهایی و گوشه گیری اجتماعی همراه است که در زندگی زناشویی اثر منفی می گذارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات بالبی (۱۲)، مبنی بر اثر منفی سبک دلبستگی نا ایمن دوسوگرا بر روابط زناشویی همخوانی دارد.

همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد که بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری مشاهده نمی شود. افراد دارای سبک اجتنابی افرادی حساس و زود رنج هستند و بیش از دیگران به استرس های عاطفی - روانی واکنش نشان می دهند. انتظار می رود این افراد به دلیل احساس عدم ایمنی در مواجهه با امور، در روابط بین فردی خود به طور دائم نگران و مضطرب باشند و قادر به ایجاد راهکارهای جامعی برای تنظیم عواطف منفی، نظیر اضطراب جدایی نبوده و از سازگاری زناشویی پایینی

نتایج این تحقیق مبتنی بر وجود رابطه بین راهبردهای مقابله با استرس مسئله محور و سازگاری زناشویی بر اساس ضریب همبستگی پیرسون به صورت زیر است: رابطه معینداری بین راهبرد مقابله ای مسئله محور و سازگاری زناشویی ($P=0/309$ ، ضریب: $-0/029$) و راهبرد هیجان محور و سازگاری زناشویی وجود ندارد ($P=0/372$ ، ضریب: $-0/019$).

بحث

با توجه به یافته های آماری مشخص شد که سبک های دلبستگی با سازگاری زناشویی مرتبط اند و سازگاری زناشویی با سبک ایمن ارتباط مثبت و با سبک های اجتنابی و دو سوگرا ارتباط منفی دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات بشارت (۱۰)، مبنی بر ارتباط سبک های دلبستگی با سازگاری زناشویی همخوانی دارد. این یافته ها، چند تبیین احتمالی را مطرح می سازد که فردی که دارای سبک دلبستگی ایمن است دارای اعتماد زیاد به خود و دیگران است و این یکی از مبانی درونی فردی است که باعث می شود در جلب کمک و مساعدت به دیگران باشد و باعث زمینه اجتماعی یک ارتباط سالم می شود که در زندگی زناشویی فرد با ایجاد ارتباط سالم با همسر خود شرایط سازگاری و رضایتمندی را فراهم می سازد. همچنین نتایج نشان می دهد که سبک دلبستگی، سازگاری زناشویی را پیش بینی می کند. هر چقدر افراد دارای

متوجه کاهش احساسات ناخوشایند خویش است و در جهت حل مشکلات تلاش خاصی انجام نمی دهد و این ناسازگاری زناشویی را به دنبال دارد.

نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با سازگاری زناشویی رابطه مثبت دارد و سازگاری زناشویی را پیش بینی می کند همچنین سبک دوسوگرا با سازگاری زناشویی رابطه منفی دارد و دلبستگی اجتنابی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری ندارد. بین راهبردهای مقابله با استرس با سازگاری زناشویی رابطه معناداری مشاهده نگردید.

برخوردارند که با یافته های مظاهری مبنی بر ارتباط سبک های دلبستگی و رابطه زناشویی همخوانی دارد (۱۳).

بر اساس این پژوهش و نتایج پژوهش های دیگر بین راهبردهای مقابله با استرس مسأله محور و سازگاری زناشویی نیز رابطه معناداری مشاهده نمی شود. فرد در مقابله هیجان محور به علت اینکه رفتارهایی مانند عصبی شدن، پرداختن به رفتارهای عیب جوینانه، اشتغال ذهنی و خیال پردازی دارد و فقط در جهت حل مشکلات تلاش خاصی انجام می دهد. در مقابله هیجان محور، فرد بر خود متمرکز شده و تمام تلاش او

References

1. Rios CX. The relationship between premarital expectation and marital satisfaction. Dissertation. Department of family and marriage research, Utah Stated University, MA Oksana, 2010.
2. Grosman KF, Grosman K. The wider concept of attachment in cors. Cultur Res Hum Dev 2005; 13: 31-47.
3. Feeney JA. The systemic nature of couple relationships : An attachment perwspectiv. In: Erdmans P, Caffery T. (editors). Attachment and family systems: Conceptual, empirical, and therapeutic relatedness. New York: Brunner/Maael; 2006: 139-63.
4. McDonald BE. Changes in dyadic coping and distress among couples facing unemployment. Ph.D. Dissertation. Washington Univeristy, 2011: 156.
5. Endler ND, Parker JD. Multi dimentsional assessment of coping: A critical evaluation. J Pers Soc Psychol 1990; 54: 466-75 .
6. Wunderer E, Schneewind K. The relationship between martial standards, psychology, dyadic coping and martial satisfaction. Eur J Soc 2008; 38: 462-76.
7. Rahimian Booger E. [The relationship between job satisfaction, job stress, orientation to job and job involvement with adult attachment styles among nurses of governmental hospitals in Isfahan]. MS. Dissertation. Faculty of psychology and educational sciences, Isfahan, 2004. (Persian)
8. Sanaei B. [Scales of family and marriage measurement]. Tehran: Besat; 2001. (Persian)
9. Rostami AM. [Comparison of coping styles in cancer and MS patients and normal individuals]. MS. Dissertation. Islamic Azad University, Branch of Roudehen, 2012. (Persian)
10. Besharat MA. [Investigate the relationship between attachment styles with marital problems in infertile couples]. Journal of psychotherapy works 2000; 5: 17-18. (Persian)
11. Simon RW. Revisiting the relationship among gender, martial status, and mental health. J Soc 2002; 107(4): 1065-96.
12. Bowlby J. Attachment and loss. New York: Basic books.
13. Mazaheri M. [Adult attachment role in the functioning marriage]. Journal of psychology 2000; 4: 286-318. (Persian)

